

پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف، در روزهای ۸ و ۹ آبان ماه ۱۳۹۰، نخستین همایش ملی «آموزش در ایران ۱۴۰۴» را با هدف بررسی چالش‌ها و مشکلات پیش روی حوزه آموزش و نیل به اهداف چشم‌انداز برگزار کرد؛ در این همایش دوروزه، مدیران ارشد، پژوهشگران و کارشناسان این حوزه در قالب نشست‌ها و سخنرانی‌هایی به تعامل و گفت‌وگو با یکدیگر پرداختند. آنچه در ادامه می‌آید، برگرفته از مباحثی است که در نشست «بررسی نقش و جایگاه نخبگان» این همایش مطرح شده است؛ حاضران این نشست که در روز دوم همایش برگزار شد، عبارت بودند از:

- ۱- حجت‌الاسلام دکتر اژه‌ای، رئیس سابق سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان؛
- ۲- حجت‌الاسلام دکتر ذوعلم، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه؛
- ۳- دکتر روستا آزاد، رئیس دانشگاه صنعتی شریف؛
- ۴- دکتر سهراب پور، قائم مقام بنیاد نخبگان و رئیس سابق دانشگاه صنعتی شریف؛
- ۵- حجت‌الاسلام دکتر عاملی، رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران.....

پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت
گزارشی از نشست
بررسی نقش و جایگاه نخبگان
در همایش آموزش در ایران ۱۴۰۴

نخبه کیست؟

دکتر سهراب پور: بحث «تعریف نخبه» بحث بسیار مهمی است. در بدو تشکیل بنیاد نخبگان که تقریباً ۵-۶ سال پیش بوده چون نهاد جدیدی باید تشکیل می‌شده و یک اساسنامه و یک ضوابط و مقرراتی تهیه می‌شده و به تصویب شورای انقلاب فرهنگی می‌رسیده است، به عنوان شروع کار تعریفی انجام شده. اما امروز انتقاد به تعریف نخبه و نحوه حمایت از نخبه وجود دارد؛ به همین خاطر، به دستور رهبر معظم انقلاب در حال تدوین یک سند ملی هستیم که یک سند فراگیر است و اولاً تعریف‌های دقیقی از نخبه را در بر داشته باشد و ثانیاً وظایف تمام ارگان‌ها و سازمان‌ها را هم تعیین می‌کند.

این دغدغه ناشی از این است که بنیاد ملی نخبگان به تنهایی نمی‌تواند تمام مسائل نخبگان را در کشور حل و فصل کند؛ هر کدام از ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها در این زمینه مسئولیت‌هایی دارند که باید به آن عمل کنند.

از سوی دیگر، یکی از بحث‌هایی که همیشه بوده و الان هم به طور جدی مطرح است این است که یک نخبه بالقوه داریم و یک نخبه بالفعل. الان بنیاد طبق اساسنامه قدیم خود، از افرادی که استعدادها برتر دارند مانند نغرات بالای کنکور سراسری، دارندگان مدال طلای المپیاد، برندگان جشنواره‌های خوارزمی، فارابی، رازی، شیخ بهایی، حتی استعدادهای برتر که مثلاً در دانشگاه رتبه‌های اول را کسب می‌کنند و به اضافه یک سری امتیازهای دیگر مثل اختراع و مقالات علمی و... این افراد اگر مجموع امتیازاتشان از یک حدی طبق اساسنامه بیشتر شود هم زیر پوشش تسهیلات بنیاد قرار می‌گیرند.

دکتر آژه‌ای: همانطور که می‌دانید تقریباً در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اکثر مصوبات قانونی حوزه آموزش عالی و یا آموزش و پرورش، بیشتر برای حمایت از کسانی بود که افت تحصیلی و یا عقب‌ماندگی تحصیلی داشتند. در آن شرایط، در سال ۶۶ وقتی ایده تشکیل سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان مطرح شد با واکنش بسیار سنگینی به خصوص از طرف آموزش و پرورش روبه‌رو شدیم و حتی در سال ۶۷ که مقام معظم رهبری به عنوان رئیس جمهور در شورای انقلاب فرهنگی اعلام کردند که مسئله حمایت از استعدادهای درخشان مطرح شود باز نگاه یکسانی وجود نداشت.

به هر حال این روند از سال ۷۴ شروع شد و تشکیل شورای عالی استعدادهای درخشان یک گام بسیار مهم در حمایت از آنها بود؛ در زمینه بنیاد نخبگان نیز به همین ترتیب نگاه‌های مختلفی وجود داشت و در مجموع تصویر روشنی از تعریف نخبه و موضوع نخبگان در کشور وجود نداشت.

تعامل نخبه و جامعه

دکتر سهراب پور: فردی که استعداد برتر دارد یا به مراحل نخبگی می‌رسد باید به تعهداتش به کشور نیز توجه کند؛ بحث نخبگی یک بحث یک‌طرفه نیست؛ شخص به خاطر استعدادی که دارد به طور اتوماتیک یک تعهدات و وظایفی هم نسبت به کشور و سرزمین خود پیدا می‌کند و به این مسئله هم باید توجه خاص کند.

تلاش برای حفظ نخبگان

دکتر سهراب پور: یکی از دغدغه‌های ما خروج نخبگان از کشور است؛ این مسئله بسیار مهم است که هر کشوری مایل است که استعدادهایش حفظ شوند؛ در این راستا بنیاد حمایت‌های مادی و معنوی و برنامه‌های مختلف فرهنگی و به خصوص برنامه‌های جذب را دارد؛ در واقع ما باید شرایطی فراهم کنیم که جاذبه‌های در مقابل جاذبه‌هایی که در خارج وجود دارد ایجاد کنیم؛ به عنوان مثال یکی از مواردی که مهم است آینده و اشتغال آینده نخبگان است؛ در این زمینه فعالیت‌هایی شده و آئین‌نامه‌هایی تصویب شده؛ به عنوان مثال، اگر این عزیزان دانشجویان دکترا هستند برای موسساتی مانند دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و علمی اعم از دولتی یا خصوصی بورسیه شوند.

ادامه تحصیل یا مهاجرت؟

دکتر آزه‌ای: در ارتباط با توجهاتی که در این مسیر حدود ۳۰ ساله صورت گرفته باید دو مسئله را از هم تفکیک کنیم. ادامه تحصیل در خارج و مهاجرت؛ در بسیاری موارد، به اشتباه کسی را که برای درس خواندن رفته با کسی که برای ماندن رفته است یکی می‌دانند و این نگاه بر سیاست‌ها و تصمیمات این حوزه تأثیر گذاشته است. به گونه‌ای که بعضی از آنها در بازگشت نتوانسته‌اند جذب شوند و ممکن است به همین دلیل مهاجرت کنند.

نخبگان برمی‌گردند

دکتر آزه‌ای: امکاناتی که در سال‌های اخیر فراهم شده، به کاهش ضریب ماندگاری در خارج از کشور منجر شده است. در حال حاضر، بورسیه‌های وزارت علوم و بهداشت و درمان عمدتاً برگشته‌اند و بیش از ۹۵ درصد آنها اعضای هیأت علمی در داخل کشور هستند. حتی بازگشت و جذب کسانی هستیم که به قول معروف خویش فرما بودند یا با بورس کشورهای خارجی رفتند.

چگونه نخبگان ما را می‌شناسند؟

دکتر آزه‌ای: معمولاً نگرانی که وجود دارد این است که حضور نخبگان در رقابت‌های علمی جهانی به شناخته شدن و جذب آنها توسط سایر کشورها منجر می‌شود؛ اما به هر حال ما در رقابت‌های جهانی باید حضور داشته باشیم. از طرف دیگر، چهره‌های شناخته شده‌مان هم صرفاً از طریق المپیادها شناسایی نمی‌شوند که جذب شوند، دانشگاه خارج ابزارهای بسیار دقیقی برای جذب دارند. حتی مواردی بوده که رایزن علمی یکی از کشورهای اروپایی به یک دانش‌آموز ما در شهری زنگ زده و اعلام کرده که برایش پذیرش گرفته است. در برابر این اقدامات، ما باید امکاناتی را از طریق بنیاد نخبگان و سایر نهادها به وجود بیاوریم و هر کاری هم انجام دهیم. دقت کنیم که در سایر کشورها هم این مهاجرت‌ها وجود دارد؛ الان مهاجرت از انگلستان به کانادا، از کانادا به آمریکا وجود دارد یعنی مهاجرت‌ها داخل خود کشورهای خارجی هم وجود دارد. این موضع را نباید به عنوان فاجعه بدانیم، فاجعه وقتی است که خود ما با وجود داشتن امکانات ملی به این مهاجرت‌ها کمک کنیم.

فرد نخبه، نظام نخبه

دکتر روستا آزاد: خوب است که کمی به یک مفهوم جدید هم اشاره کنیم: گاهی از فرد نخبه سخن می‌گوییم و گاهی یک نظام نخبه داریم. نظام نخبه به معنی مجموعه هنجارهای جامعه‌ای است که در آن، مجموعه نخبگان نقش آفرینی می‌کنند. در بحث تعامل بین نخبه و جامعه، اولین مطلبی که پیش می‌آید این است که فرد نخبه به علت تفاوت‌هایی که با محیط پیرامون خود دارد یک مشکل بزرگ پیدا می‌کند: مشکل تعامل با محیط بیرونی خود. خیلی از حرف‌هایی که نخبگان می‌زنند ممکن است دیگران متوجه نشوند یا بعدها متوجه شوند، البته باید این طور باشد. اگر فرد نخبه در واقع همان حرف را بخواهد بگوید که نخبه نیست، البته یک نخبه باید هنری داشته باشد که آنقدر خود را تنازل بدهد تا بتواند با محیط که اسم آن را می‌توان غیر نخبه پیرامون خود گذاشت تعامل کند. در عین حال هم آنقدر خود

را چندان نازل نکند که نتوان به او نخبه اطلاق کرد. با چنین نگاهی، نخبه کسی است که علی‌رغم مشکلات، مثلاً نبود استاد خوب، ضعف دسترسی‌ها و... به علت آن استعداد برتر و آن توانمندی که دارد می‌تواند راه خود را باز کند. اما در حال حاضر شاید بسیاری از نخبگان ما در جنبه توانمندی‌هایی رشد کرده‌اند ولی چون هنر تنازل و هنر تعامل با محیط پیرامون خود را ندارند و حال، چون نظام، نخبه نیست، نخبگان کمی کم‌حوصلگی می‌کنند.

لزوم ایجاد شبکه نخبگان

دکتر روستا آزاد: با توجه به این افراد نخبه‌ای که داریم با همه این مشکلات اداری و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و... برای عبور از این مشکلات، نخبگان باید دستشان به دست هم برسد؛ یعنی نخبگان حوزه‌های مختلف دست به دست هم دهند تا شبکه‌ای ایجاد شود که بتواند پذیرا و نگهدارنده نخبگان باشد. در این صورت روزی می‌رسد که نظام ما، نظام نخبه باشد، جاذب نخبه باشد و بحث نخبگان ما انشاءالله حل شود.

لزوم ریشه‌یابی مهاجرت نخبگان

دکتر ذوعلم: در حال حاضر چون بیش از ۱۵ سال است که بحث مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها مطرح می‌شود علی‌القاعده باید پژوهش‌هایی انجام دهیم که انگیزه‌ها و عوامل این پدیده چیست و یا اساساً عنوان این پدیده چیست. چون این تعابیر هر کدام بار معنایی خود را دارند. به هر حال بعضی از نخبه‌های جامعه ما با همان تعریف محدودی که از نخبه داریم یعنی دانشجویانی که به هر حال برجستگی علمی خاصی دارند و در ابعاد علمی و فناوری درخشش و استعداد ویژه‌ای دارند، به هر تقدیر این جامعه را بر نمی‌تابند؛ این یک واقعیت است. اما دلیل آن چیست؟ ممکن است بگوییم بخشی از اشکال ناشی از جامعه است، یا اینکه بخشی از اشکال در همان نخبگانی است که این جامعه را بر نمی‌تابند. آن اشکالی که در جامعه ما وجود دارد از دید افرادی که ترجیح می‌دهند در جای دیگری به تحصیل بپردازند، مواردی است از قبیل کمبود امکانات، آزمایشگاه، منابع اطلاع‌رسانی، مشاوره، استاد خوب، همچنین، دغدغه شغل و جایگاه و منزلت اجتماعی نخبگان بعد از پایان تحصیل و... با این وجود، یک سری کاستی‌هایی در نگرش نخبگان و به نوع ارتباطی که با جامعه برقرار می‌کنند وجود دارد. ببینید ما نخبه‌ترین فردی که تاکنون داشته‌ایم پیامبر اکرم (ص) بودند؛ عقب‌مانده‌ترین جامعه‌ای هم که داشته‌ایم جامعه جاهلی در زمان پیامبر بوده است؛ ولی پیامبر اکرم در این جامعه احساس رسالت می‌کنند نه مطالبه پاداش. اگر ما این نگرش را بتوانیم در جامعه نخبه، از دوره پیش‌دبستان و دبستان و در محیط آموزشی خود ایجاد کنیم که اگر تو دارای استعداد برتری هستی این برای تو یک نعمت ویژه‌ای است که بار مسئولیت بیشتری را به دنبال دارد در این صورت این دغدغه می‌تواند کاملاً از بین برود. یعنی تمام اشکالاتی که در جامعه ما وجود دارد در واقع باید انگیزه‌های شود و این نخبه بماند و بتواند این اشکال را برطرف کند. از سوی دیگر، قطعاً راحت‌طلبی یکی از ابعاد فکری و غریزی انسان است. قطعاً ما در این فضایی که نشسته‌ایم برایمان خوشایندتر است تا اینکه مثلاً در بیرون در فضای سرد و نامناسب باشیم؛ نخبه‌ای که از اینجا به خارج می‌رود در آنجا میهمان است نه صاحب‌خانه. صاحب‌خانه وقتی ببیند که یک گوشه‌ای از منزلش ایرادی دارد در مورد این ایراد حساسیت نشان می‌دهد و دغدغه دارد و باید آن را حل کند؛ ولی وقتی که میهمان است به معایب کاری ندارد. دوستانی که تجربه زندگی کوتاه‌مدت در خارج از کشور را دارند متوجه این مسئله هستند. مثلاً اگر ما به فقیرترین کشور برویم و بخواهیم یک سال در آنجا زندگی کنیم، بالاخره در آنجا امکانات مناسبی برایمان فراهم است؛ در چنین شرایطی، کاری به این موضوع نداریم که فقر یا تبعیض یا وابستگی هست یا نیست و یا اینکه مردم به چه کاری مشغول هستند. اشکال اساسی فرهنگ آموزش ما این است که آموزش را به معنای انتقال مفاهیم و فناوری تعریف کنیم نه به معنای ساختن انسان کاملی که در ابعاد علمی، اخلاقی، نگرشی، ایمانی و نیز تفکر و تعقل رشد کند. این موضوعات در سیستم آموزشی ما، هم در آموزش و پرورش و هم در دانشگاه‌ها کاملاً مورد غفلت است. در حوزه علمیه ما هم که در قدیم این مطلب بسیار عمیق تر بوده است متأسفانه با گرت‌برداری از نظام آموزشی جدید، کم‌رنگ شده است. تلقی بنده این است که اگر ما این اندیشه را پیدا کنیم و از امروز آن را حل کنیم ۱۰ یا ۱۵ سال دیگر ممکن است که مشکل نخبگان ما کاهش پیدا کند.

سندنویسی چاره کار نیست

دکتر ذوعلم: با وجود مشکلات در این حوزه، این تلقی که مشکلات در زمان کوتاه با توصیه، سندسازی یا سندنویسی حل شود تلقی نادرستی است؛ ما یکی از مشکلاتمان در زمینه آموزش و فرهنگ و تربیت، این است که بیش از اینکه به فکرسازی بپردازیم به سندنویسی و گاهی متاسفانه به سندسازی می‌پردازیم. سند به تنهایی کاری نمی‌کند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۷۱ سندی پخته و خوب و کارآمد در مورد سیاست‌های فرهنگی کشور تصویب و ابلاغ شده و در همان جا تصریح شده که هر ۶ ماه یکبار باید این دستگاه‌ها گزارش دهند که برای این سند چه کاری انجام شده است؛ الان ۱۹ سال از این زمان می‌گذرد اساساً باید ببینیم که این سند به کجا رسیده است.

یک زمانی که مقام معظم رهبری فرمودند آموزش و پرورش که البته شامل همه دستگاه‌های فرهنگی و تربیتی و آموزشی ما شاید بشود، دچار روزمرگی است؛ این یک واقعیت است. به عنوان مثال، امروز تصمیم گرفته شده که یک کار بزرگ در آموزش و پرورش انجام شود؛ یعنی تغییر ساختار آموزشی از ۴، ۳، ۵، ۶، ۳، ۳. کسانی که در بدنه کار هستند می‌دانند که این کار یعنی صرف وقت و مدیریت و امکانات و سخت‌افزار و نرم‌افزار بسیار زیاد در طول مدت ۶ یا ۷ سال. یعنی آموزش و پرورش درگیر دریایی از کار برای این قضیه خواهد شد؛ اما سوال این است که تغییر ساختار واقعاً چند درصد از مشکلات اساسی آموزش و پرورش ما را حل می‌کند؟ به عنوان مثال همین مشکل فقدان فکرمحوری و فقدان فرهنگ و آموزش بومی، ملی و دینی. تقریباً هیچ پژوهشی نداریم که نشان دهد در واقع تغییر ساختار به این معنا تاثیر معناداری در کارآمد و کیفیت نظام آموزشی دارد. در حال حاضر ۴۹ نوع ساختار آموزشی در کشورهای مختلف وجود دارد. ساختار ۶، ۳، ۳ در بعضی از کشورها کیفیت دارد و در بعضی کشورها ندارد، مانند ۵، ۴، ۳. این یعنی یک کار بسیار حجیم و دشوار و در واقع صرف سرمایه ملی و توانمندی جامعه در عرصه تعلیم و تربیت در کاری که بازدهی آن خیلی روشن نیست.

غرض من از این مثال این بود که بگویم اگر بنیان اندیشه و نگرش‌مان را نسبت به نظام آموزشی و نسبت به خود مقوله آموزش و تعلیم و تربیت اصلاح نکنیم تا ۱۰ سال بعد هم همین وضع خواهد بود.

پارادایم‌های آموزشی و مسائل نخبگان

دکتر عاملی: در بحث آموزش چه در بعد آموزش ابتدایی و متوسطه و چه در بعد آموزش عالی باید پارادایم ما مشخص باشد. باید بدانیم ذهنیتی که در ۱۴۰۴ هم می‌خواهیم آن نقطه و تصویر را ببینیم چه پارادایم کلانی بر آن حاکم است. ما اگر در جمهوری اسلامی از آموزش ۱۴۰۴ صحبت می‌کنیم قاعدتاً باید هم به متن توجه کنیم و هم به زمینه. چه تغییری در دنیای جدید به وجود آمده که این تغییر ما را ملزم به نگاه جدیدی به فرصت‌ها و چالش‌هایمان می‌کند که یکی از این چالش‌ها هم بحث نخبگان و یا مهاجرت نخبگان از ایران است. چه تغییر بنیادینی به وجود آمده که این نگرانی تشدید شده است؟

مسئله متن هم این است که در نظام آموزش عالی چه محتوایی و با چه مقصد می‌خواهیم تولید کنیم؟ در بحث زمینه به نظر من جهان دو فضایی شده است؛ فضای دومی که در کنار فضای اول به وجود آمده فضای بسیار جدی‌ای است. فضای دوم به موازات فضای اول رفتار تولید می‌کند، نهاد ایجاد می‌کند، نهادهای آموزشی دارد، نهادهای اجتماعی دارد و فرآیندهای اداری ایجاد می‌کند. فضای دوم که از طریق اینترنت و نظام فراگیر کامپیوتری به وجود آمده فضایی کاملاً موثر بر حوزه آموزش ما است.

از سوی دیگر، در حوزه متن بحث اسلام و ارزش‌های اسلامی برای ما یک محوریت تمام دارد. از این نظر، متاسفانه این روزها فقط تاکید بر روی علوم انسانی است. گویا بر علوم تجربی نظام ارزشی حاکم نیست. در صورتیکه علوم تجربی یک غایت و نظام ارزشی دارد که به آن نظام ارزشی باید توجه شود و گرنه علوم تجربی هم به تولید بمب منجر می‌شود؛ ابزار و وسایلی را تولید می‌کند که باعث تخریب اجتماعی می‌شود. بنابراین هر دوی اینها مهم هستند. حال، اگر غایت علم را توسعه سلامت و تعالی ارزش‌های انسانی و سعادت جامعه بشری تعریف کنیم باید ببینیم که این علوم تجربی و انسانی چه نگاهی به این غایت دارند؟ چه مقدار به این غایت انسانی توجه کردند؟

جاذبه‌ها و دافعه‌ها

دکتر سهراب پور: ما باید جاذبه‌ها را زیاد و دافعه‌ها را کم کنیم؛ تجربه چند سال مسئولیت بنده در دانشگاه، نشان می‌دهد اگر ما شرایطی را فراهم کنیم که این عزیزان بتوانند به راحتی مقاطع بعدی تحصیلی را هم طی کنند کسانی که مقطع دکترا را تمام می‌کنند اینها درصد خروجشان بسیار اندک است؛ بر همین اساس، تمام قوانین و مقررات و تمام پیشنهادی که به وزارت علوم دادیم و وزارت علوم هم پذیرفت و به سایر دانشگاهها ابلاغ کرد در این جهت بود. مثلاً اینکه دانشجویان برجسته کارشناسی بتوانند بدون آزمون وارد ارشد و دکترا شوند یا بتوانیم از دانشجویان دکترا در مقطع تز حمایت مالی کنیم. اینها همه تجربیاتی بود که ما در عمل به دست آوردیم و سعی کردیم به مرحله اجرا درآوریم و نتایج مثبت هم گرفتیم. البته در پایان تحصیلات دکترا برمی‌گردیم به همان مسئله اشتغال که بسیار مسئله مهمی هم هست؛ هر انسانی حق دارد برای آینده خودش فکر کند و بداند که اشتغال آینده‌اش چه می‌شود. در حال حاضر، روی این قسمت در بنیاد نخبگان در حال مطالعه هستیم و انشاءالله مسئولان کمک کنند.

